

## امروز شما

**متولدین فروردین:** وقتی پای به زبان آوردن احساسات به میان بیاید شما اغلب فردی آرام و درونگرا هستید، اما امروز از این لحاظ استثنا خواهد بود. شرایط کیهانی موجود باعث شدهاند شما توانایی فوق العاده ای در ارتباط برقرار کردن با دیگران و همچنین بیان احساسات خود پیدا کنید.

**متولدین اردیبهشت:** آخرین باری که وقتتان را بدون نگرانی برای کار و مشکلات و مسائل روزمره در کنار خانواده و عزیزانتان گذرانده‌اید چه زمانی بوده است؟ اگر دیدید مدت زیادی از آن گذشته است همین امروز را برای این کار در نظر بگیرید و منتظر فرارسیدن آخر هفته نمانید.

**متولدین خرداد:** شما چطور از یادگاری‌ها و عکس‌های خانوادگی‌تان محافظت می‌کنید؟ قطعاً این یادگاری‌ها با ارزش برای شما از اهمیت زیادی برخوردار هستند، اما آن طوری که باید و شاید از آنها نگهداری نمی‌کنید. تمام چیزهای که از دوران گذشته خودتان، والدین و عزیزانتان برای شما باقی مانده‌اند را به بهترین شکل ممکن محافظت و نگهداری کنید.

**متولدین تیر:** امروز شاید بالاخره بتوانید عذرخواهی‌هایی که باید انجام می‌دادید ولی برای مدت‌ها از آنها منفره می‌رفته‌اید را انجام دهید. اعتراف کردن به این که اشتباه کرده‌اید کار ساده‌ای نیست، اما خوشبختانه شرایط کیهانی موجود باعث شده‌اند که از این لحاظ شجاعت بیشتری پیدا کنید.

**متولدین مرداد:** شاید خودتان متوجه این موضوع نباشید، اما امروز در راه به دست آوردن خواسته‌هایتان رفتاری خشن و تهاجمی از خودتان نشان می‌دهید که می‌تواند باعث ناراحتی دوستان و همکارانتان شود. نسبت به خواب‌هایی که می‌بینید بی‌تفاوت نباشید، این رویا می‌تواند انعکاس دهنده مسائل حل نشده باشند.

**متولدین شهریور:** اگر این اواخر مدام دچار احساس خستگی هستید، شاید باید دلیل این احساس خود را در فشار و استرس که این روزها به شما وارد می‌شود پیدا کنید. بد نیست با یک نفر که مورد اعتمادتان است و با یک مشاور متخصص در مورد استرسی که دارید تحمل می‌کنید کمی صحبت و درد دل کنید.

**متولدین مهر:** امروز زمان بسیار خوبی برای بیان افکار و احساساتتان خواهد بود. خواه طرف صحبتتان شخصی باشد که عاشقانه دوستش دارید و یا همکاری که به راهنمایی‌ها و دستورات عمل‌های شما نیاز دارد، خواهید توانست به خوبی و راحتی حرف‌هایی که از شما انتظار دارد را به زبان بیاورید.

**متولدین آبان:** مدتی است که شما به آتشی که دوستشان دارید به اندازه کافی نشان نداده‌اید که چقدر برایشان اهمیت قائل هستید و چه احساسی نسبت به آنها دارید. با گرفتن تماس تلفنی، فرستادن پیام، خریدن یک دسته گل و یا ساده‌تر از همه در آغوش گرفتن آنها، احساسات خود را نشان دهید.

**متولدین آذر:** اگر امروز با مشکلی مواجه شدید به دنبال ساده‌ترین راه حل ممکن برای آن باشید. همه مشکلات به آن پیچیدگی که ما فکر می‌کنیم نیستند و خیلی وقت‌ها پیش پا افتاده‌ترین راه حل بهترین راه است، البته به شرط آن که آن را ببینید.

**متولدین دی:** امروز روز خیلی خوبی برای به زبان آوردن آنچه در ذهنتان می‌گذرد خواهد بود. البته شما به طور کلی هم با بیان افکار خود مشکل چندانی ندارید، اما خوب برای همه موقعیت‌هایی پیش می‌آید که احساس خجالت کنند یا نتوانند حرفشان را راحت بیان کنند، ولی امروز یکی از آن روزها نیست.

**متولدین بهمن:** امروز مهارت‌های شما در برقراری ارتباط با دیگران به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرده‌اند. اگر در بیان احساسات واقعی خود با مشکلاتی مواجه بوده‌اید امروز فرصت‌های خوبی را برای شما به همراه خواهد داشت.

**متولدین اسفند:** توانایی فوق العاده شما در صحبت کردن با دیگران و برقراری ارتباط با آنها امروز حتی از همیشه هم بیشتر خواهد بود. مشکلاتان با همکار، رئیس، همسر، اعضای خانواده و یا هر کس دیگری که باشد شما خواهید توانست در مورد آن صحبت کرده و افکار و احساسات خود را بیان کنید و با کمک طرف مقابلتان راه حلی برای آن بیابید.

## خوارگندگی

### تک‌خوانی که رئیس بیمارستان شد



محمد حسین توکل همان تک او درباره شکل‌گیری گروه سرود «شهرستان» بچه‌های «مادر برام قسه بگو» است که عینک ته استکانی و آباچه و مدرسه ما نیز مانند دیگر فرزندانش او را از بقیه جدا کرده شهرستان‌های دیگر گروه سرود بود؛ حالا دکتر شده و مدتی هم ریاست بیمارستان آباچه را به عهده مسئول پرورشی مدرسه یک سری داشت.

به گزارش جام جم آنلاین، گروه سرود بچه‌های آباچه، اسم آشنایی که دهه شصتی‌ها را به دوران جنگ می‌برد. به دورانی که پدرها در مسابقات شهرستان‌های فارس جبهه رفته بودند و مادرها برایشان «قصه بابا» را تعریف می‌کردند. محمدحسین توکل، تک خوان گروه سرود بچه‌های آباچه که سرود «مادر برام قسه بگو» تلوین‌پوشش شد و سر زبان‌ها ایشان مشهور هست. متولد ۳۱ مرداد ۱۳۵۳ در آباچه استان فارس است که توانسته مدرک پزشکی عمومی و تخصصی پاتوبیولوژی را اخذ کند. در آن فعالیت کردم.

### غروب زیبا



عکسی زیبا ببینید از غروب آفتاب در آفریقا که زرافه‌ای در مرکز تصویر قرار گرفته است. جهان انتخاب شده است.

## دستپخت خاور خانم یک روستا را آباد کرد



بودند که یک دفعه چشمشان به من افتاد و گفتند خانم می‌شود ما بیایم خانه شما غذا بخوریم؟! من هم قبول کردم و آنها آمدند داخل همین بالکن نشسته، آتش درست کردم غذایشان را کباب کردند و تا وقتی که باران بند بیاید نشستند. اما آن موقع دیگر هوا تاریک شده بود. به‌خاطر همین گفتند می‌شود ما امشب خانه شما بمانیم؟ کرایه‌اش را هم می‌دهیم. آن موقع رسم نبود کسی در این روستا خانه‌اش را به مسافرها اجاره بدهد. با این حال من قبول کردم. آنها ماندند و فردا با هم رفتیم بازار رامسر، ماهی خریدیم من خود ماهی‌ها را پاک کردم، سرخ کردم، برنج درست کردم و اینطوری باهم دوست شدیم. موقع رفتن هم گفتند چقدر می‌شود؟ من قیمت نداشتیم. همینطوری گفتیم هزار تومان. آنها اما ۹ هزار تومان به من دادند و موقع رفتن گفتند ما خیلی از دستپخت شما خوشمان آمد، می‌شود دوباره پیش شما بیاییم. آن موقع خانه ما تافتن نداشت، من شماره خانه برادرم را دادم و بعد از آن دیگر این خانواده شدند مشتری دائمی من.

**اهل کجا بودند؟** اهل اصفهان اما ساکن تهران... بعدها بقیه فامیل‌ها و آشناهایشان را هم آوردند اینجا. همگی از قبل زنگ می‌زدند سفارش باقلا قاقق، ترش تره، میرزا قاسمی و ماهی می‌دادند و بعد می‌آمدند. طوری شد که دیگر من و همسرم کار کشاورزی را رها کردیم... کم‌کم مشتری‌هایم زیادتر شد. مثلاً بعضی وقت‌ها مشتری می‌آمد بی‌خبر. می‌گفتند از کجا آدرس گرفتیم؟ چرا زنگ نزدی؟ می‌گفت توی آرایشگاه بودم، یک نفر گفت رفتن سرولات خانه خاورخانم، چه غذای خوشمزه‌ای خوردیم. ما هم همینطوری آمدیم و شمارا پیدا کردیم... همه اینها باعث شد که کم‌کم فضا را بزرگتر کنیم.

**یعنی کار آفرینی شما از همین زمان شروع شد؟** بله اوایل خواهرزاده‌هایم با من کار می‌کردند بعد کم‌کم بقیه خانواده هم جمع شدند، ما هم فضای رستوران را بزرگتر کردیم و از ۷۰ متر رسیدیم به ۵۰۰ متر. الان بعد از این همه سال هنوز مشتری‌هایی دارم که می‌آیند می‌گویند خاورخانم ما توی خانه خودت می‌نشستیم غذا می‌خوردیم...

**الان چند نفر با شما کار می‌کنند؟** الان ۴۰ نفر که همگی از اهالی همین روستا و روستاهای اطراف هستند... اما روزهای خیلی شلوغ تعدادشان ۶۰ نفر هم می‌شود.

**خانم هستند یا آقای؟** من بیشتر با آشپزهای خانم کار می‌کنم، با آنها راحت‌ترم.

**شما با راه اندازی این رستوران هم برای ۴۰ نفر کار آفرینی کرده‌اید هم باعث جذب گردشگر به سرولات شده‌اید، فکر می‌کنید دلیل موفقیتتان چیست؟** دلیل این موفقیت فقط لطف خداست... من خداراشکر می‌کنم که نام روستایم نه فقط در استان گیلان که در کل کشور مشهور شد... خوشحالم که به‌خاطر حضور هر روزه گردشگرها

## گفت‌وگو با زن کارآفرین روستایی؛

به گزارش جام‌جم آنلاین برای آبادانی یک روستا، چه کارهایی می‌توان انجام داد؟ چطور می‌شود کاری کرد که اهالی یکی یکی به هوای شهر و امکانات ریز و درشت‌اش، ترک خانه و کاشانه نکنند؟ ما جواب این سئوال‌ها را از «خاور جریانیان» می‌پرسیم. او یک زن ۴۸ ساله روستایی است؛ زنی کارآفرین که با یک ایده ساده، یک روستا را آباد کرده و گردشگران زیادی را روانه محل زندگی‌اش کرده است؛ گردشگرانی از گوشه و کنار ایران و حتی کشورهای خارجی. افرادی که آوازه دست پخت مثال زدن این زن را شنیده و راهی روستای سرولات شده‌اند.

**خاور خانم متولد چه سالی هستید؟** سال ۱۳۴۸ همین جا هم به دنیا آمدم در روستای سرولات.

**چطور شد کار آفرین شدید؟** اگر خدا نخواهد حتی یک برگ هم از درخت نمی‌افتد، درباره من هم همین‌طور بود. خدا من را از این روستای کوچک خواست، انتخاب کرد. این نظر خدا به روستای ما بود... کارآفرین شدن من کاملاً یک اتفاق بود، من و همسرم اکبر لطفی نژاد سال ۶۹ با هم ازدواج کردیم و از همان زمان برای کار به قزوین رفتیم. آنجا که بودیم من چون نمی‌توانستم بیکار بمانم در مطب یک دکتر، منشی شده‌بودم. همسرم هم به‌خاطر تخصص‌اش در نیروگاه برق شهید رجایی کار می‌کرد، تا اینکه قرار شد منتقل شود به بندرعباس. وقتی این موضوع را با خانواده‌هایمان در میان گذاشتیم مخالفت کردند می‌گفتند شما بچه شما لیدر گرمای جنوب حتماً اذیت می‌شوید... ما هم به ناچار کار را اول کردیم و برگشتیم به روستای خودمان در سرولات.

**چند سال به فرزندگی کردید؟** حدود ۴ سال.

**یعنی وقتی برگشتید سرولات باید همه چیز را از صفر شروع می‌کردید چون دیگر کاری نداشتید؟** بله همین‌طور بود. در روستای ما کار فقط و فقط کشاورزی بود. حالا یا مردم می‌رفتند در باغ چای کار می‌کردند یا باغ پرتقال، یا سبزی کاری و ... شغل دیگری نداشتند. ما هم از وقتی برگشتیم اینجا به همین کار مشغول شدیم، آن موقع یک خانه ۷۰ متری نیمه‌کاره داشتیم که تعمیر کردیم و در آن ساکن شدیم. البته شانس که داشتیم این بود که خانه ما موقعیت خوبی داشت، یک طرفش رو به دریا بود و یک طرفش رو به کوه و نمای خیلی خوبی داشت. به خاطر همین موقع بازسازی یک بالکن ۲۰ متری رو به دریا زدیم که همه چیز از هم از همین بالکن شروع شد.

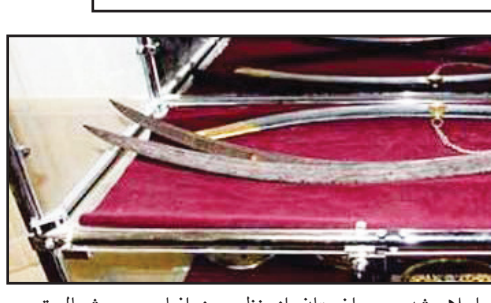
**بیشتر توضیح می‌دهید؟** سال ۷۴ بود. یک روز من لب همین بالکن نشسته بودم که دیدم یک خانواده با ماشین‌شان از راه رسیدند. ساعت تقریباً یک ظهر بود. آنها پیاده شدند و تدارکات نهارشان را آماده کردند اما یک دفعه باران گرفت. خیلی آشفته شده

## قدر را قدر بدانیم



از نگاه دوربین

## سرقت شمشیر نادر شاه در روسیه



شمشیر نادر شاه جهانگشا مقلب به افشار همراه تعدادی از اشیای گرانبها از موزه‌ای در جمهوری داغستان روسیه به سرقت رفت. به گزارش جام جم آنلاین، این حادثه در منطقه کوهستانی کوباچین در جمهوری داغستان در منطقه قفقاز روسیه رخ داد. یک مقام وزارت کشور داغستان گفت: سارقان در شب ورودی موزه کارگاه هنری منطقه کوباچین را شکسته و اشیای گرانبهای موجود را به سرقت بردند. روزنامه کامساملوسکایا پرآودا با اشاره به سرقت رفتن حدود ۱۶۰ شیئی گرانبها از موزه منطقه کوباچین نوشت: شمشیر نادر شاه گرانبهاترین قطعه دزدیده شده از موزه است. در همین حال یک مقام موزه منطقه کوباچین در مصاحبه با نشریه «جووانان داغستان» گفت که از چهار شمشیر دزدیده شده یکی شمشیر نادر شاه به ارزش بیش از یک میلیون دلار بود. جمهوری داغستان در شمال غربی دریای خزر و در تقسیمات کشوری در حوزه فدرال قفقاز روسیه قرار گرفته است.

داغستان از نظر جغرافیایی در شمالی‌ترین بخش متصرفات حکومت صفوی قرار داشت که پس از سقوط حکومت صفویه توسط روس‌ها و عثمانی‌ها اشغال شد و سپس در زمان قاجار به صورت رسمی به روسیه تزاری واگذار شد. این مسئله بعدها در عصر نادرشاهی یکی از دلایل سیاست‌های جنگی نادر در برابر حاکمان داغستان بود. نادرشاه برای تسلط کامل بر داغستان سه بار به این ایالت لشکر کشی کرد.